

بسم تعالی

کاری از: مومن محمدسلطانی-شهرستان مهاباد

مرور قواعد سال هفتم و هشتم

اسم اشاره:

اسم اشاره به سه دسته تقسیم می شود:

۲. اسم اشاره به دور:

اشاره به دور (مفرد): ذلک (مذکر)----تلک (مونث)

اشاره به دور (جمع): اولئک (مذکر و مونث یکسان است)

۱. اسم اشاره به نزدیک:

اشاره به نزدیک (مفرد): هذا (مذکر)----هذه (مونث)

اشاره به نزدیک (مثنی): هذان / هذین (مذکر)----هاتان / هاتین (مونث)

اشاره به نزدیک (جمع): هؤلاء (مذکر و مونث یکسان است)

۳. اسم اشاره به مکان:

نزدیک: هنا ← این جا

دور: هناک ← آن جا

یکی از تفاوت های زبان فارسی با عربی، در تعداد است. در فارسی، یک نفر یا یک شی را مفرد می دانیم و بیشتر از یک نفر را، جمع. اما در عربی بعد از مفرد، مثنی را داریم که به منزله ی دو نفر یا دو شی است. بیشتر از دو نفر یا دو شی نیز، جمع نامیده می شود.

اسم از نظر تعداد

اسم از نظر تعداد به ۳ دسته تقسیم می شود.

۱. مفرد:

مفرد مذکر: الطالب

مفرد مؤنث: الطالبة

(در زبان عربی، اسم مذکر علامت ندارد اما یکی از علامت های اسم مؤنث، «ة» می باشد.

۲. مثنی:

مثنی مذکر: علامت ← «ان» «ین»: الطالبان، الطالبین

مثنی مؤنث: علامت ← «تان» «تین»: الطالبتان، الطالبتین

۳. جمع (سالم، مکسر)

جمع سالم (مذکر): علامت ← «ون» «ین»: الطالبون، الطالبین

جمع سالم (مؤنث): علامت ← «ات»: الطالبات

جمع مکسر: ساختار کلمه ی مفرد از بین می رود و راه یادگیری آن ها شنیداری و تمرین و تکرار است.:: مسجد ← مساجد

بحث دیگر که قبلا در هفتم آن را فرا گرفته ایم، به کلمات پرسشی مربوط می شود که در زبان عربی به آن ها «استفهام» گفته می شود.

استفهام

۱. «أ» و «هَل» ← آیا هل انت معلم؟ نعم

۲. «مَنْ» ← چه کسی مَنْ هِيَ؟ هِيَ مريم

۳. «ما و ماذا» ← چه و چه چیزی ما هذا؟ هذا كتاب

۴. «لِمَاذَا» ← برای چه لِمَاذَا ذهبتَ الى المدرسة؟ لِحصول العلم

۵. «لِمَنْ» ← برای چه کسی لِمَنْ هذا الكتاب؟ لِأخي

۶. «أين» ← كجا أين ذهبت؟ ذهبتُ الى الحديقة

۷. «من أين» ← از کجا (اهل کجایی) من أين انت؟ أنا من ایران

۸. «متى» ← کی متى ذهبتَ الى المدرسة؟ ذهبتُ صباحاً

۹. «كيف» ← چگونه كيفَ حالک؟ أنا بخير

۱۰. «كم» ← چند / چقدر كم معلماً في المدرسة؟ ستة

مهمترین مبحث که در هفتم فرا گرفتیم، بحث فعل ماضی است که با زبان فارسی از نظر تعداد و جنس متفاوت است. در جدول زیر مروری کامل بر فعل ماضی خواهیم داشت:

| نام صیغه به عربی | فعل ماضی (عربی) | ضمایر (عربی) | ضمایر (فارسی) |
|------------------|---|--------------------------------|---------------|
| متکلم وحده | أنا خَرَجْتُ (خارج شدم) | أنا (مذکر و مونث) | من |
| مخاطب مفرد | أنتَ خَرَجْتَ (خارج شدی) أنتِ خَرَجْتِ (خارج شدی) | أنتَ (مذکر) أنتِ (مونث) | تو |
| غایب مفرد | هو خَرَجَ (خارج شد) هی خَرَجَتْ (خارج شد) | هو (مذکر) هی (مونث) | او |
| متکلم مع الغیر | نَحْنُ خَرَجْنَا (خارج شدیم) | نَحْنُ (مذکر و مونث) | ما |
| مخاطب مثنی و جمع | أنتُمَا خَرَجْتُمَا (شما دو نفر خارج شدید) | أنتُمَا (مذکر و مونث) | شما |
| | أنتُمْ خَرَجْتُمْ (شما خارج شدید) أنتنَّ خَرَجْتُنَّ (شما خارج شدید) | أنتُمْ (مذکر) أنتنَّ (مونث) | |
| غایب مثنی و جمع | هُمَا خَرَجَا (آن دو خارج شدند) هُمَا خَرَجَتَا (آن دو خارج شدند) | هُمَا (مذکر و مونث) | آن ها |
| | هُم خَرَجُوا (خارج شدند) هُنَّ خَرَجْنَ (خارج شدند) | هُم (مذکر) هُنَّ (مونث) | |

مبحث دیگر، مبحث اعداد است که به دو دسته تقسیم میشوند.

۱. اعداد شمارشی (اصلی): واحد (یک)، اثنان (دو)، ثلاثة (سه)، اربعة، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة،

احد عشرة، اثنا عشرة

۲. اعداد ترتیبی:

الاول، الثاني (دوم، دومین)، الثالث (سوم، سومین)، الرابع، الخامس، السادس، السابع، الثامن، التاسع، العاشر، الحادي

عشر، الثاني عشر

روزهای هفته:

| | | | | | | |
|----------|--------|---------|----------|----------|----------|--------|
| السَّبْت | الأحد | الاثنين | الثلاثاء | الأربعاء | الخميس | الجمعة |
| شنبه | یکشنبه | دوشنبه | سه شنبه | چهارشنبه | پنج شنبه | جمعه |

رنگ ها:

| | | | | | |
|------|------|------|------|------|------|
| أبيض | أسود | أخضر | أحمر | أزرق | أصفر |
| سفید | سیاه | سبز | قرمز | آبی | زرد |

فصل های سال: الربيع (بهار) - الصيف (تابستان) - الخريف (پاییز) - الشتاء (زمستان)

در برخی موارد ممکن است از ضمیر بجای اسم کسی یا چیزی استفاده کنیم. در واقع ضمیر کلمه ای است که جانشین اسم می شود، بنابراین در تعداد و جنسیت (مذکر یا مؤنث بودن) با اسمی که جانشین آن شده است، باید مطابقت داشته باشد.

ضمایر به دو دسته تقسیم میشوند:

۱. ضمایر جدا (منفصل)

| | | | |
|-------|--------------------|---|---|
| فارسی | من | تو | او |
| عربی | أنا (مذکر و مونث) | أنتَ (مذکر) / أنتِ (مونث) | هو (مذکر) / هي (مونث) |
| فارسی | ما | شما | ایشان |
| عربی | نحنُ (مذکر و مونث) | انْتِما (مذکر و مونث) / انْتِمْ (مذکر) / انْتِنَّ (مونث) | هُما (مذکر و مونث) / هُم (مذکر) / هُنَّ (مونث) |

۲. ضمایر پیوسته (متصل)

| | | | |
|-------|------------------|---|---|
| فارسی | ...م (کتابم) | ...ت (کتابت) | ...ش (کتابش) |
| عربی | ي (مذکر و مونث) | كَ (مذکر) / كِ (مونث) | ه (مذکر) / ها (مونث) |
| فارسی | ...مان (کتابمان) | ...تان (کتابتان) | ...شان (کتابشان) |
| عربی | نا (مذکر و مونث) | كُما (مذکر و مونث) / كُم (مذکر) / كُنَّ (مونث) | هُما (مذکر و مونث) / هُم (مذکر) / هُنَّ (مونث) |

از دیگر مباحث، بحث فعل است. که انجام دادن کاری یا حالتی را بر کسی یا چیزی در یکی از زمان های ماضی، مضارع و مستقبل نشان میدهد.

ماضی: فعلی است که بر گذشته دلالت دارد: ذَهَبَ (رفت) / حَرَجَ (خارج شد)

در صورتی که قبل از فعل ماضی حرف «ما» بیاوریم، فعل ما ماضی منفی خواهد شد: ما ذَهَبَ (نرفت)
دقت کنید پس دو نوع «ما» داریم: یک برای استفهام بود به معنی چه چیزی و دیگری «ما» منفی کننده ماضی

مضارع: فعلی است که بر حال دلالت دارد: يَكْتُبُ (می نویسد)

فعل مضارع با آمدن حروف مضارعه یا تینا (ی-ت-أ-ن) بر سر فعل ماضی، تشکیل می شود:

ی + ذَهَبَ = يَذْهَبُ (می رود)

در صورتی که قبل از فعل مضارع حرف «لا» بیاوریم، فعل ما مضارع منفی خواهد شد: لا يَذْهَبُ (نمی رود)

مستقبل: فعلی است که بر آینده دلالت دارد: سأَذْهَبُ (خواهم رفت)

فعل مستقبل با آمدن حروف «س» و «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع تشکیل می شود:

سَوْفَ + يَذْهَبُ = سَوْفَ يَذْهَبُ (خواهد رفت)

در جدول زیر صرف فعل ماضی و مضارع را در ۱۴ حالت مشاهده میکنید

| مضارع | | | ماضی | | | |
|--------------|--------------|------|-------------|-------------|------|----------------|
| تَفَعَّلَ | يَفْعَلُ | مفرد | فَعَلْتُ | فَعَلَ | مفرد | غایب |
| تَفَعَّلَانِ | يَفْعَلَانِ | مثنی | فَعَلْتَا | فَعَلَا | مثنی | |
| يَفْعَلْنَ | يَفْعَلُونَ | جمع | فَعَلْنَ | فَعَلُوا | جمع | |
| تَفَعَّلِينَ | تَفَعَّلُ | مفرد | فَعَلْتِ | فَعَلْتَ | مفرد | مخاطب |
| تَفَعَّلَانِ | تَفَعَّلَانِ | مثنی | فَعَلْتُمَا | فَعَلْتُمَا | مثنی | |
| تَفَعَّلَنْ | تَفَعَّلُونَ | جمع | فَعَلْتُنَّ | فَعَلْتُمْ | جمع | |
| أَفْعَلُ | | | فَعَلْتُ | | | متکلم وحده |
| نَفَعَلُ | | | فَعَلْنَا | | | متکلم مع الغیر |